



به نام خدا



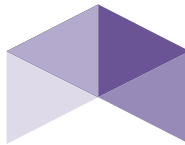
ضرورت و الزامات پیوست تأمین اجتماعی در برنامه‌های کلان کشور



موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

اجتماعی و رفاهی





موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی



ضرورت و الزامات پیوست تأمین اجتماعی در برنامه‌های کلان کشور

پژوهشگر و مجری طرح: یاسر باقری

ناظر: فرشید یزدانی

تدوین گزارش سیاستی: آوات رضانیا

سال اجرای طرح: ۱۴۰۲



فهرست مطالب

۴	چکیده	◀
۷	مقدمه	◀
۸	چهارچوب مفهومی	◀
۹	تجربیات جهانی و ملی در زمینه پیوست‌های اجتماعی	◀
۱۰	آموزه‌ها و چالش‌ها	◀
۱۲	چهارچوب پیشنهادی برای پیوست تأمین اجتماعی	◀
۱۴	الزامات تکمیلی برای موفقیت پیوست تحقق اهداف	◀
۱۵	نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی	◀

چکیده

سیاست گذاری در ایران به‌طور فزاینده‌ای تحت سیطره منطق اقتصادی قرار گرفته و «امر اجتماعی» به حاشیه رانده شده است. این رویکرد منجر به بروز پیامدهای منفی اجتماعی در طرح‌ها و برنامه‌های کلان، تحمیل هزینه‌های جبرانی بر نظام تأمین اجتماعی و دور شدن از اهداف عدالت اجتماعی شده است. علی‌رغم وجود الزام قانونی در بند نهم سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی مبنی بر تهیه «پیوست تأمین اجتماعی» برای طرح‌ها و برنامه‌های کلان کشور، چالش اصلی، تبدیل این الزام به یک رویه فرمایشی و فاقد تأثیر گذاری واقعی است.

▲ چهارچوب پیشنهادی برای پیوست تأمین اجتماعی: این گزارش چهارچوبی عملیاتی برای پیوست تأمین اجتماعی ارائه می‌دهد که متکی بر خود سند سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی است.

● اصول راهنما و معیارهای ارزیابی، مبتنی بر ارزش‌های کلیدی سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی نظیر عدالت‌بنیانی، کرامت‌بخشی، شفافیت، کارآمدی، جامعیت، پایداری منابع و مشارکت مردمی.



• **فرم ارزیابی:** شامل پرسش‌هایی برای سنجش تأثیر طرح بر محورهای چون عدالت، کرامت، شفافیت، الگوی اسلامی-ایرانی، قواعد بیمه‌ای، قدرت خرید اقشار ضعیف، فقر و محرومیت، انسجام اجتماعی، تبعیض و کارآمدی، با مقیاس ارزیابی ۷ درجه‌ای (از تأثیر منفی زیاد تا مثبت زیاد).

▲ تفکیک طرح‌ها:

• طرح‌هایی که مستقیماً به دنبال تحقق سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی هستند.

• طرح‌هایی با اهداف دیگر که پیامدهای تأمین اجتماعی دارند (پیوست برای این دسته ضرورت بیشتری دارد).

انتظار نمی‌رود هر طرحی تمام اهداف تأمین اجتماعی را محقق کند، اما نباید وضعیت را بدتر نماید.

▲ مراحل ارزیابی (به‌ویژه برای طرح‌های مجلس):

۱. تدوین طرح (خودارزیابی توسط طراحان).
۲. ارائه طرح (خوداظهاری توسط ارائه‌دهندگان).
۳. ارزیابی طرح (ارزیابی سه‌جانبه بیرونی توسط نماینده دولت، مجلس و نهاد مدنی).
۴. تجمیع ارزیابی و اعلام کاستی‌ها.
۵. بازگرداندن طرح برای اصلاحات.
۶. ارزیابی مجدد طرح اصلاحی.
۷. تجمیع ارزیابی نهایی و بررسی در کمیسیون برای ارسال به صحن.



چالش‌ها و آموزه‌ها:

- **گفتمان‌سازی و مطالبه عمومی:** برخلاف بسیاری از شاخص‌های بین‌المللی که محصول جنبش‌های اجتماعی بوده‌اند، پیوست تأمین اجتماعی در ایران بیشتر محصول اجماع نخبگانی است؛ لذا تقویت گفتمان عمومی و ایجاد مطالبه اجتماعی ضروری است.
- **قابلیت اجرایی:** تجارب داخلی نشان می‌دهد جامعیت بیش از حد، احتمال اجرا را کاهش می‌دهد؛ پیوست باید واقع‌گرایانه باشد.
- **سیاست‌گذاری‌های کلان:** بسیاری از آسیب‌ها به حوزه تأمین اجتماعی از سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و اجتماعی دولت و مجلس نشئت می‌گیرد که پیوست باید این مجاری را نیز هدف قرار دهد.
- **متولی و نظارت:** نیاز به تعیین یک‌نهاد متولی متخصص (مانند دبیرخانه شورای عالی رفاه) و سازوکار نظارتی چندسطحی (دولت، مجلس، نهادهای مدنی).
- **فقدان اراده سیاسی و قانون‌گریزی:** از موانع اساسی در اجرای پیوست‌هاست.
- **یکپارچه‌سازی پیوست‌ها:** ایده «یک پیوست اجتماعی کلان» که ابعاد مختلف (تأمین اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، سلامت) را در برگیرد، قابل تأمل است.

واژگان کلیدی: پیوست اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی، سیاست‌های کلی، صندوق‌های بازنشستگی

سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی، سندی بالادستی و حیاتی برای جهت‌دهی به تصمیم‌گیری‌ها و اجرا در عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی کشور محسوب می‌شود.

بند نهم این سیاست‌ها، بر الزام تهیه «پیوست تأمین اجتماعی» برای طرح‌ها و برنامه‌های کلان کشور تأکید دارد. اهمیت این بند از آن روست که در صورت تحقق صحیح، می‌تواند پیامدهای منفی بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های کلان را خنثی کرده، هزینه‌های جبرانی تحمیل‌شده بر نظام تأمین اجتماعی را کاهش دهد و به استقرار عدالت اجتماعی و ارتقاء توسعه اجتماعی یاری رساند. پژوهش حاضر، پیوست تأمین اجتماعی را فراخوانی برای بازگشت به «امر اجتماعی» در سیاست‌گذاری کشور می‌داند که به‌طور فزاینده‌ای تحت سیطره منطق اقتصادی قرار گرفته است. این گزارش ضمن بررسی تجارب جهانی و ملی در زمینه پیوست‌های اجتماعی و ارزیابی تأثیرات، چهارچوبی برای پیوست تأمین اجتماعی و الزامات تحقق آن ارائه می‌دهد.

چالش اصلی، تبدیل این الزام به یک رویه فرمایشی است، درحالی که هدف، ایجاد مانعی واقعی در برابر قوانین و طرح‌هایی است که بدون توجه به پیامدهای اجتماعی تصویب و اجرا می‌شوند. این گزارش با رویکردی واقع‌گرایانه و با هدف افزایش احتمال اجرا، پیشنهادهایی را مطرح می‌کند.

۱. طرح مسئله

سیاست‌های کلی نظام، ازجمله سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی، به استناد اصل ۱۱۰ قانون اساسی، اسنادی بالادستی برای جهت‌دهی به سایر سیاست‌ها هستند. بند نهم سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی، تهیه «پیوست تأمین اجتماعی» برای طرح‌ها و برنامه‌های کلان کشور را الزامی کرده است. این الزام،

فرستی برای مقابله با نگاه حداقلی و سطحی به ابعاد اجتماعی طرح‌هاست؛ نگاهی که منافع ذی‌نفعان قدرتمند طرح‌های عمرانی و اقتصادی را بر منافع افشار آسیب‌پذیر که منتفعان اصلی این پیوست هستند، ترجیح می‌دهد.

پژوهش حاضر، این پیوست را فراتر از یک ملاحظه شکلی دانسته و به دنبال تبیین دقیق و الزامات تدوین آن است تا جایگاه واقعی خود را در سیاست‌گذاری اجتماعی بیابد. سابقه تأکید بر عدالت اجتماعی و توجه به ابعاد اجتماعی در سیاست‌های کلی برنامه‌های سوم و پنجم توسعه، نشان‌دهنده اهمیت این موضوع و ضرورت یافتن راهکاری عملی برای تحقق آن از طریق پیوست تأمین اجتماعی است.

۲. چهارچوب مفهومی:

بازگشت به امر اجتماعی پژوهش حاضر، پیوست تأمین اجتماعی را فراخوانی برای بازگشت به «امر اجتماعی» در سیاست‌گذاری ایران می‌داند.

این مفهوم، نه به معنای «واقعیت اجتماعی»، بلکه نزدیک به مفهوم "the Social" و دقیق‌تر «حمایت اجتماعی» در ادبیات اخیر است که جایگزینی برای مفهوم قدیمی‌تر «تأمین اجتماعی» شده است. در دهه‌های گذشته، تأکید یک‌جانبه بر وجوه اقتصادی سیاست‌ها، حوزه‌های غیراقتصادی را به حاشیه رانده و نظام سیاست‌گذاری را عمدتاً معطوف به امور اقتصادی کرده است. این تمرکز افراطی بر اقتصاد، خود به پیچیدگی مشکلات اقتصادی دامن زده است. پیوست تأمین اجتماعی کوششی برای افزودن ابعاد دیگر و در نظر گرفتن وجوه مغفول مانده در نگرش کنونی است تا هم شناخت پدیده‌ها بهبود یابد و هم راهکارهای کم‌هزینه‌تری پیش روی نظام سیاست‌گذاری قرار گیرد.

این بازگشت به امر اجتماعی در سطح جهانی نیز پس از بحران‌های مالی و اقتصادی و انتقاد به غلبه رویکردهای صرفاً اقتصادی، تجربه‌شده است، نظیر نگرانی اتحادیه اروپا پس از بحران ۲۰۰۸ یا بازنگری بانک جهانی در سیاست‌های تعدیل ساختاری دهه ۱۹۸۰. در ایران نیز، دغدغه عدالت اجتماعی همواره در بزنگاه‌های سیاست‌گذاری مطرح بوده است.

۳. تجربیات جهانی و ملی در زمینه پیوست‌های اجتماعی

۱.۳. پیدایش تاریخی ارزیابی‌های اجتماعی در سطح بین‌المللی:

جریان ارزیابی اجتماعی به دهه ۱۹۵۰ و به‌طور ملموس‌تر به دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد که با جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی در جوامع مدنی قدرتمند ایالات متحده، کانادا و اروپا آغاز شد. این فشارها منجر به تصویب «قانون سیاست‌گذاری محیط زیستی ملی» (NEPA) در آمریکا در سال ۱۹۶۹ شد که نقطه عطفی در قانون‌گذاری اجتماعی-زیست‌محیطی بود. این قانون به الگویی جهانی بدل شد. در دهه‌های بعد، نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی و برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) نیز به‌تدریج ارزیابی‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را در سیاست‌ها و پروژه‌های خود وارد کردند و ابزارهایی چون «تحلیل اجتماعی» (SA)، «ارزیابی تأثیر اجتماعی» (SIA) و «چهارچوب‌های اجتماعی و زیست‌محیطی» را توسعه دادند. این روند همواره خطی نبوده و گاه با فراز و فرودهایی، مانند تغییر رویکرد بانک جهانی در سال ۲۰۱۳، همراه بوده است. با این حال، UNDP با ارائه استانداردهای جامع اجتماعی و زیست‌محیطی در سال‌های اخیر، نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده است.

۲.۳. تجربه پیوست‌ها در ایران تجارب متعددی در زمینه پیوست نگاری داشته است:

- **پیوست زیست‌محیطی:** قدیمی‌ترین و نهادینه‌ترین پیوست در ایران است که از دهه ۱۳۵۰ با تصویب «قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست» و بعدها الزام «ارزیابی اثرات زیست‌محیطی» (EIA) برای طرح‌های بزرگ شکل گرفت. این پیوست، الگویی برای سایر پیوست‌ها بوده است اما اجرای آن همواره با چالش‌های ناشی از فشارهای سیاسی و توسعه‌گرایی مواجه بوده است.

- **پیوست فرهنگی:** با توجه به اهمیت فرهنگ پس از انقلاب اسلامی و تأسیس «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، الزام تهیه پیوست فرهنگی

برای طرح‌های مهم ابتدا در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۷) مطرح و سپس «نظام‌نامه پیوست فرهنگی» (۱۳۹۲) توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد.

● **پیوست سلامت:** به موجب بند (ب) ماده (۳۲) قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۹) الزامی شد و «استانداردهای ملی پیوست سلامت» در سال ۱۳۹۲ تدوین و ابلاغ گردید.

● **پیوست اجتماعی (تثا/اتاف):** ابتدا در دهه ۱۳۸۰ در شهرداری تهران با عنوان «ارزیابی تأثیر اجتماعی» (اتا) و «ارزیابی تأثیر اجتماعی و فرهنگی» (اتاف) آغاز شد. با وجود برگزاری همایش‌ها و تدوین گزارش‌های متعدد، به باور برخی کارشناسان، این پیوست‌ها به تدریج تشریفاتی شده و تأثیرگذاری واقعی خود را از دست دادند. بعدها، الزام قانونی تهیه پیوست اجتماعی در جزء (۲) بند (الف) ماده (۸۰) قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶) مطرح و آیین‌نامه اجرایی آن در سال ۱۳۹۹ تصویب شد. باین حال، شواهد چندانی دال بر اجرایی شدن مؤثر آن وجود ندارد.

برخی پیامدهای نامناسب اجتماعی ناشی از بی‌توجهی به ابعاد اجتماعی در طرح‌های ملی شامل بحران‌های زیست‌محیطی مانند بی‌آبی و فرسایش خاک، و مشکلات اجتماعی در پروژه‌های شهری مانند پروژه بزرگراه نواب تهران بوده است. همچنین، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی نسنجیده دولت و مجلس، بار مالی و تعهدات سنگینی بر صندوق‌های تأمین اجتماعی تحمیل کرده است.

۴. آموزه‌ها و چالش‌ها:

بررسی تجارب بین‌المللی و داخلی، و همچنین مصاحبه با کارشناسان، آموزه‌ها و چالش‌های مهمی را برای تحقق پیوست تأمین اجتماعی آشکار می‌سازد:

● **اهمیت گفتمان‌سازی و مطالبه عمومی:**

برخلاف بسیاری از شاخص‌های بین‌المللی که محصول جنبش‌های

اجتماعی بوده‌اند، پیوست تأمین اجتماعی در ایران بیشتر محصول اجماع نخبگانی است. تقویت گفت‌وگوهای عمومی حامی تأمین اجتماعی و ایجاد مطالبه اجتماعی برای اجرای آن ضروری است.

● قابلیت اجرایی و پرهیز از جامعیت بیش‌ازحد:

تجارب داخلی نشان می‌دهد که هرچه دامنه یک پیوست گسترده‌تر باشد، احتمال اجرای آن کاهش می‌یابد. پیوست تأمین اجتماعی باید واقع‌گرایانه و با انتظارات تعدیل‌شده طراحی شود.

● چالش ناشی از سیاست‌گذاری‌های کلان:

بسیاری از آسیب‌ها به حوزه تأمین اجتماعی نه از پروژه‌ها، بلکه از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی دولت و مجلس نشئت می‌گیرد. پیوست تأمین اجتماعی باید این مجاری را نیز هدف قرار دهد.

● ضرورت وجود متولی مشخص و نظارت چند سطحی:

تجربه موفق پیوست زیست‌محیطی تا حدی مرهون وجود سازمان حفاظت محیط زیست به‌عنوان متولی است. برای پیوست تأمین اجتماعی نیز تعیین یک نهاد متولی متخصص (مانند دبیرخانه شورای عالی رفاه) و سازوکار نظارتی چند سطحی (شامل دولت، مجلس و نهادهای مدنی) پیشنهاد می‌شود.

● احتمال یکپارچه‌سازی پیوست‌های اجتماعی:

باتوجه‌به تعدد پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی و احتمال کاهش اعتبار آن‌ها در صورت عدم اجرا، ایده «یکپارچه‌سازی شاخص‌ها و ارزیابی‌های اجتماعی» و ایجاد «یک پیوست اجتماعی کلان» که ابعاد مختلف (تأمین اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، سلامت) را در برگیرد، قابل تأمل است.

● فقدان اراده سیاسی و قانون‌گریزی: یکی از موانع اساسی، «فقدان اراده برای انجام» و «باور نداشتن مجریان» و همچنین سهولت نسبی اجرا

۵. چهارچوب پیشنهادی برای پیوست تأمین اجتماعی

پژوهش حاضر، چهارچوبی برای پیوست تأمین اجتماعی با اتکا به خود سند سیاست‌های کلی ارائه می‌دهد.

۱.۵. اصول راهنما و معیارهای ارزیابی مقدمه و بندهای سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، چشم‌اندازها، رهنمون‌ها و گروه‌های هدف خاص را مشخص می‌کند که باید مبنای پیوست باشند. ارزش‌های کلیدی: عدالت‌بنیانی، کرامت‌بخشی، شفافیت، کارآمدی، جامعیت و فراگیری، چندلایه بودن، اتکا به الگوی اسلامی-ایرانی، پایداری منابع و رعایت حقوق بین‌نسلی، رفع تبعیض‌های ناروا و مشارکت مردمی.

فرم ارزیابی پیوست تأمین اجتماعی (بر اساس جدول ۴ گزارش اصلی):

این فرم شامل پرسش‌هایی برای سنجش تأثیر طرح بر محورهای زیر است:

- عدالت‌بنیانی و تحقق عدالت
- رعایت کرامت افراد
- شفافیت طرح و آثار آن
- تناسب با الگوی اسلامی-ایرانی
- رعایت قواعد بیمه‌ای و تعهدات بین‌نسلی
- تأثیر بر قدرت خرید اقشار ضعیف و رفاه عمومی
- تأثیر بر فقر، محرومیت (خوراک، مسکن، اشتغال، سلامت) و آسیب‌های اجتماعی
- تأثیر بر انسجام امور تأمین اجتماعی، تحکیم خانواده و فرزندآوری
- تأثیر بر تبعیض‌های ناروا و فاصله طبقاتی

- کارآمدی، ایجاد و انباشت بدهی‌های دولت
- توانمندسازی گروه‌های هدف و فراگیری خدمات پایه
- تأثیر بر مشارکت‌های مردمی و ذی‌نفعان
- تأثیر بر گروه‌های خاص (بی‌سرپرستان، ازکارافتادگان، معلولان، سالمندان)

برای هر محور، یک مقیاس ۷ درجه‌ای از تأثیر منفی زیاد (۳-) تا تأثیر مثبت زیاد (۳+) پیشنهاد شده است.

▲ ۲،۵. تفکیک طرح‌ها و مراحل ارزیابی طرح‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) طرح‌هایی که مستقیماً به دنبال تحقق سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی هستند. این طرح‌ها باید کلیات و ویژگی‌های نظام تأمین اجتماعی را درک و رعایت کنند. ب) طرح‌هایی با اهداف دیگر که پیامدهای تأمین اجتماعی دارند. پیوست تأمین اجتماعی، به‌ویژه در جنبه سلبی (پیشگیری از آثار منفی)، برای این دسته ضرورت دارد. انتظار نمی‌رود هر طرحی تمام اهداف تأمین اجتماعی را محقق کند، اما دست کم نباید وضعیت را بدتر نماید.

مراحل ارزیابی پیوست (به‌ویژه برای طرح‌های مجلس):

۱. تدوین طرح (خودارزیابی توسط طراحان): ملاحظه چشم‌انداز و رهنمون‌های تأمین اجتماعی.
۲. ارائه طرح (خوداظهاری توسط ارائه‌دهندگان): تعیین محورهای انطباق و عدم انطباق.
۳. ارزیابی طرح (ارزیابی سه‌جانبه بیرونی): توسط نماینده دولت (دبیرخانه شورای عالی رفاه)، مجلس (کمیسیون اجتماعی یا مرکز پژوهش‌ها) و نهاد مدنی (مانند انجمن جامعه‌شناسی ایران) با تکمیل فرم پیوست.
۴. جمع‌بندی ارزیابی و اعلام کاستی‌ها: توسط کمیسیون اجتماعی مجلس.

۵. بازگرداندن طرح به ارائه‌دهندگان برای اصلاحات.
۶. ارزیابی مجدد طرح اصلاحی (سه‌جانبه بیرونی).
۷. تجمیع ارزیابی نهایی و بررسی در کمیسیون برای ارسال به صحن.
۸. تجمیع نهایی ارزیابی‌ها.
۹. بررسی در کمیسیون و ارسال به صحن مجلس در صورت تصویب.

۶. الزامات تکمیلی برای موفقیت پیوست تحقق اهداف

الزامات تکمیلی برای موفقیت پیوست تحقق اهداف سند سیاست‌های کلی و موفقیت پیوست تأمین اجتماعی، فراتر از صرف تدوین پیوست، نیازمند اقدامات ایجابی و الزامات تکمیلی است:

- تقویت و اجرای کامل قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی؛ این قانون ظرفیت‌های لازم برای تحقق سیاست‌های کلی را داراست اما نیازمند اصلاح و تقویت ضمانت‌های اجرایی است.
- فعال‌سازی شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی؛ این شورا نقش کلیدی در هماهنگی فرابخشی، پیشگیری از سیاست‌های زیان‌بار و اجرای اهداف ایجابی سند دارد.
- یکپارچگی نظام تأمین اجتماعی و تعیین تکلیف لایه‌ها؛ رفع موازی‌کاری‌ها، تعریف دقیق نسبت میان لایه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و هماهنگی اصلاحات در لایه‌های مختلف ضروری است.
- ارجحیت بازآرایی نهادهای موجود بر تأسیس نهاد جدید؛ برای پرهیز از افزایش هزینه‌ها و ناکارآمدی، باید تا حد امکان از ظرفیت نهادهای موجود استفاده کرد.

● تأمین منابع پایدار و تقویت منابع غیردولتی:

نوآوری در تأمین منابع، تأکید بر محاسبات اکچوئری، و بهره‌گیری از مشارکت مردمی و بخش خصوصی حیاتی است.

● تأکید بر لایه بیمه‌ای با نگاه هم‌زمان به فراگیری، کفایت و پایداری مالی:

تعمیم بیمه پایه، یکسان‌سازی قواعد، متناسب‌سازی مستمری‌ها، و حفظ ارزش ذخایر صندوق‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

● بازسازی رابطه مردم و دولت:

از طریق مشارکت مردمی در تأمین مالی، نظام‌مندسازی احسان و نیکوکاری، و ایجاد پیوند مؤثر میان مردم و دستگاه‌های اجرایی.

● فرایند تکوینی در شاخص‌های پیوست:

شاخص‌های ارزیابی پیوست نباید از ابتدا پیچیده و با جزئیات دقیق باشند. بهتر است با ساده‌گیری آغاز و در صورت تثبیت، تدقیق شوند.

۷. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

پیوست تأمین اجتماعی، ابزاری حیاتی برای بازگرداندن «امر اجتماعی» به کانون سیاست‌گذاری کشور و مقابله با پیامدهای منفی طرح‌ها و برنامه‌های کلان است.

موفقیت این پیوست در گرو اراده سیاسی قوی، حمایت عمومی، چهارچوبی واقع‌بینانه و قابل اجرا، و اصلاحات نهادی مکمل است. توصیه‌های سیاستی کلیدی عبارت‌اند از:

۱. تصویب و اجرای چهارچوب پیشنهادی پیوست تأمین اجتماعی:

شامل اصول، معیارها، فرم ارزیابی و مراحل چندگانه، با تأکید بر رویکردی تکوینی و انعطاف‌پذیر در مراحل اولیه.

۲. تعیین یک نهاد متولی قدرتمند و متخصص برای پیوست:

با اختیارات لازم برای ارزیابی و نظارت (ترجیحاً دبیرخانه شورای عالی رفاه با همکاری مجلس و نهادهای مدنی).

۳. سرمایه‌گذاری در گفتمان‌سازی و جلب حمایت عمومی:

افزایش آگاهی عمومی و تخصصی نسبت به اهمیت تأمین اجتماعی و پیوست مربوطه.

۴. تضمین قابلیت اجرایی و ضمانت قانونی برای پیوست:

مقابله با قانون‌گریزی و اطمینان از تأثیرگذاری واقعی پیوست بر تصمیم‌گیری‌ها.

۵. پیگیری جدی الزامات تکمیلی:

به‌ویژه فعال‌سازی شورای عالی رفاه، اصلاح قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، و تأمین پایداری مالی صندوق‌ها.

۶. بررسی امکان یکپارچه‌سازی پیوست‌های اجتماعی:

به‌منظور افزایش هم‌افزایی و جلوگیری از موازی‌کاری و کاهش اعتبار اسناد در بلندمدت.